

«زن و مطالعات خانواده»

سال دوازدهم - شماره چهل و ششم - زمستان ۱۳۹۸

ص: ۲۵-۴۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۸

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۴

چالش‌های اجتماعی و اخلاقی خانواده‌های ایرانی بر اساس اندیشه‌های پستمن

معصومه فراهانی^۱

افضل السادات حسینی^۲

انسیه جالوند^۳

چکیده

نظر به این که آراء پستمن و نگاه ویژه وی به رسانه‌ها و استفاده از تکنولوژی و اثرات آن بر فرهنگ، ارزش‌ها و اخلاق در کشور ما به عنوان یک پدیده نسبتاً جدید بسیاری از خانواده‌ها را با مشکلات نوظهور مواجه کرده است، نگارنده را بر آن داشت تا چالش‌های معاصر خانواده ایرانی از این منظر مورد مطالعه قرار گیرد. این پژوهش به لحاظ نوع تحقیق کاربردی محسوب می‌شود. هدف تحقیقات کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق کیفی و با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه هدایت شده به جمع‌آوری داده پرداخته است. جامعه آماری مورد مصاحبه، یک نفر از استادان، مترجم کتابهای پستمن به زبان فارسی، پنج نفر از کارشناسان و متخصصان حوزه خانواده و رسانه از استادان دانشگاه‌های تهران و عضو هیأت علمی و صاحب مقالات پژوهشی در حوزه تأثیرات رسانه‌های جمعی در مورد خانواده و چهار نفر دیگر از نمونه، از استادان حوزه فلسفه تعلیم و تربیت بودند که پیرامون تأثیرات رسانه بر تعلیم و تربیت، کودکان و خانواده و تغییر فرهنگ و ارزش توسط تکنوپولی صاحب نظر و عقیده بودند. یافته‌های پژوهش که به دنبال تحلیل پاسخهای مصاحبه‌شوندگان به چالشهای معاصر خانواده ایرانی از منظر اجتماعی و فرهنگی و از منظر اخلاقی و ارزشی بر اساس نظریه تربیت رسانه‌ای پستمن، به دست آمدند عبارتند از: سلطه تربیت رسانه‌ای، تهدید تربیت کودکان، تهدید خانواده‌ها.

واژه‌های کلیدی: خانواده، رسانه، تربیت رسانه‌ای، چالش‌ها

۱. کارشناس ارشد گروه تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه مبانی فلسفی و اجتماعی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. کارشناس ارشد گروه مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

مقدمه

خانواده یک سازه اجتماعی^۴ است. این سازه اجتماعی، از مجموعه وسیعی از عوامل تاریخی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تأثیر می‌پذیرد، شکل می‌گیرد و متحول می‌شود. نمی‌توان خانواده را به عنوان یک مفهوم ذات‌انگارانه^۵ یا مطلق دانست و درباره آن سخن گفت. فرهنگ‌های گوناگون، به شیوه‌های مختلفی سازه اجتماعی خانواده را شکل می‌دهند. در دوره‌های گوناگون تاریخی شاهد ظهور معانی و برداشت‌های گوناگونی از مفهوم خانواده هستیم. اگر این دوره‌ها از لحاظ تاریخی مقایسه شوند، یا فرهنگ‌ها با یکدیگر تطبیق داده شوند، به درستی درمی‌یابیم چگونه خانواده به مثابه سازه‌ای یا برساختی اجتماعی شکل می‌گیرد و تغییر می‌کند. امروزه در شرایطی که ما زندگی می‌کنیم، رسانه‌ها و ابزارهای بازنمایی، اگر مهم‌ترین و قاطع‌ترین عوامل تأثیرگذار بر معنای خانواده نباشند، بدون تردید، از جمله اصلی‌ترین عوامل شناخته می‌شوند. خانواده به عنوان یک سازه اجتماعی، به همان میزان که از عوامل عینی مادی تأثیر می‌پذیرد، تحت تأثیر ذهنیت‌ها، پنداشت‌ها و تصورات ما از خانواده است. بعد ذهنی خانواده را مجموعه‌ای از دستگاه‌های مولد معنا و شکل‌دهنده تصورات ما پدید می‌آورد. ما بر اساس تخیل خود، به بازنمایی خانواده می‌پردازیم و تحت تأثیر بازنمایی خودمان، تخیل خود را بازنمایی و بازسازی می‌کنیم. بنابراین، ذهن ما در فرایندی پویا و دائمی به تولید بازنمایی‌های جدید می‌پردازد و دوباره تحت تأثیر بازنمایی‌های جدید از خانواده، خود را بازتعریف می‌کند. از این رو، در شرایط امروزی جهان، هنگام بحث درباره خانواده، لازم است بررسی‌های دقیق تجربی درباره تأثیر رسانه‌ها (نه تنها رادیوها و تلویزیون‌ها و ماهواره‌ها، بلکه اینترنت، بازی‌های رایانه‌ای) صورت گیرد. اهمیت این بحث، نه تنها در جایگاه رسانه‌ای شدن فرهنگ و خانواده است، بلکه رسانه‌ها در زمینه سیاست‌گذاری برای خانواده، از جمله ابزارهایی هستند که می‌توان آنها را مدیریت و برنامه‌ریزی کرد. از آنجا که رسانه‌ها به صورت نهادی، دست‌اندرکار تولید فرهنگ هستند و به طور نهادی، مدیریت و هدایت می‌شوند، از این رو سیاست فرهنگی و سیاست خانواده در جامعه، می‌تواند تا حدود زیادی از طریق سیاست رسانه‌ها، پی‌جویی شود و شکل گیرد.

پیستمن به مبانی خانواده تأکید بسیار دارد و خانواده را رکن رکین بقای جامعه می‌داند. وی از دیرباز مطالعات و پژوهش‌های خود را بر آثار رسانه‌های جمعی خاصه تلویزیون، در تخریب فرهنگ و اخلاق و روابط اجتماعی کانون خانواده و به طور کلی انهدام بشریت متمرکز کرده است و این همه را نشأت گرفته از ذات تکنولوژی فوق مدرن و خصلت لجام گسیختگی و خوی سلطه طلبی بلا منازع آن می‌داند (پیستمن، ۱۳۷۳).

۴. Social construction

۵. Essentiality

بدین ترتیب که پستمن ماهیت عمومی رسانه را در تضاد با ماهیت متعالی انسان می‌داند و از آنجا که خانواده ابتدایی‌ترین مرکز زیستن ساده‌ی انسان است، تمامی خطراتی که نظام تکنوپولی و رسانه به عنوان ابزار قدرتمند این نظام برای انسان و زیستن ناباش فراهم می‌آورد در بالاترین درجه متوجه خانواده است. خطر فراموشی ارزش‌ها، خطر بیهوده زیستن، خطر لابلای چرخ دنده‌های نظام صنعتی ماندن بدون راه‌گیز و از همه این‌ها "غفلت از خطر"، خطر فراموشی و عدم آگاهی، خطر سرگرمی و سایر ابزارهایی که نظام تکنوپولی از آن‌ها استفاده می‌کند تا آرام آرام بر انسان‌ها سلطه بیابد و معنا و عمق زندگی آنان را دچار تحول و استعمار فرانو نماید (پستمن، ۱۳۷۲).

به گفته پستمن، آنچه امروز در جهان و بر جهان می‌گذرد، نشان از آن دارد که کلیت فرهنگ بشری با خطر زوال و انحطاط مواجه است (پستمن، ۱۳۷۳).

سست شدن بنیان خانواده، ایجاد روحیه تنوع طلبی جنسی، ظهور پدیده‌های جدید در روابط زناشویی متأثر از سریال‌های ماهواره‌ای که به خیانت در روابط زناشویی عقلانیت می‌بخشند، تغییر نگاه کودکان به موضوع سکس و خشونت که باعث بلوغ زودرس در آنها شده و تربیت کودکان را با دشواری‌های فراوان روبه‌رو کرده است و سلطه تربیت رسانه‌ای (به معنای تحت نفوذ قرار گرفتن فعالیت‌های خانه و مدرسه به وسیله رسانه‌ها و رایانه‌ها) (شرفی، ۱۳۸۲) فقط بخشی از چالش‌های خانواده‌های معاصر است که ضرورت دارد مطالعه و بررسی شود.

همچنین پوتر^۶ (۲۰۱۳) بیان می‌کند که از مفهوم سواد رسانه‌ای تعابیر متعددی وجود دارد. برخی آن را مسأله انتقادی فرهنگی می‌دانند، برخی دیگر به عنوان مجموعه‌ای از ابزارهای آموزشی برای معلمان ابتدایی و برخی دیگر آن را به عنوان راهکارهایی برای والدین، قلمداد می‌کنند (پوتر، ۲۰۱۳: ۴۱۹).

تلاش‌های متعددی برای تعریف مختصر مفهوم سواد رسانه‌ای صورت گرفته است. در سال ۱۹۹۲، کنفرانس رهبری ملی سواد رسانه‌ای تلاش کرد تا تعریف جامعی از سواد رسانه‌ای ارائه کند که سواد رسانه‌ای عبارت است از توانایی دسترسی، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و ارتباط پیام‌ها در انواع مختلف. چند سال بعد، انجمن ارتباطات ملی، تعریف از سواد رسانه‌ای را در قالب صلاحیت ارتباطات ارائه کرد. براساس آن، فرد دارای سواد رسانه‌ای کسی است که درک می‌کند چگونه کلمات، تصاویر و صداها بر مسائلی که در جامعه معاصر به وجود می‌آیند، به شیوه‌ای که هر دو ظریف و عمیق هستند، تأثیرگذار است (همان).

پستمن (۱۹۸۵) ادعا می‌کند که معرفت‌شناسی تلویزیون، که تا دهه ۱۹۸۰ به شکل رسانه‌های غالب تبدیل شده بود، محتوا و انسجام گفتمان عمومی را که به طور فزاینده‌ای سرگرم‌کننده بود، فرسوده کرده بود.

با توجه به آنچه در خصوص گام اول برای چاره‌اندیشی در مورد آسیب‌های خانواده، شناخت صحیح و دقیق این آسیب‌ها و عوامل ایجاد آن است. نظر به این که آراء پستمن و نگاه ویژه وی به رسانه‌ها و استفاده از تکنولوژی و اثرات آن بر فرهنگ، ارزش‌ها و اخلاق در کشور ما به عنوان یک پدیده نسبتاً جدید بسیاری از خانواده‌ها را با مشکلات نوظهور مواجه کرده است، نگارنده را بر آن داشت تا چالش‌های معاصر خانواده ایرانی از این منظر مورد مطالعه قرار گیرد.

بدین ترتیب نظر به تجارب زیسته پژوهشگران در این خصوص و اهمیت واکاوی این موضوع به جهت دستیابی به شناخت دقیق‌تر نسبت به مسائل پیش روی خانواده ایرانی، بررسی چالش‌های معاصر خانواده ایرانی از منظر اجتماعی-فرهنگی و اخلاقی-ارزشی بر اساس اندیشه‌های پستمن، مسأله اصلی این پژوهش است.

مباحث نظری

خانواده به مفهوم محدود آن عبارت است از یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آنان خانواده را تکمیل می‌کند. تعریف دیگری، خانواده را گروهی از افراد می‌داند که از راه خون، زناشویی و یا فرزند پذیری با یکدیگر ارتباط می‌یابند و طی یک دوره زمانی نامشخص، باهم زندگی می‌کنند (کوئن، ۱۳۷۸: ۱۲۷).

گیدنز^۷ نیز خانواده را گروهی از افراد می‌داند که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته‌اند و اعضای بزرگسال آن مسؤولیت مراقبت از کودکان را برعهده دارند. پیوندهای خویشاوندی ارتباطات میان افراد است که یا از طریق ازدواج برقرار گردیده‌اند، یا از طریق تبار که خویشاوندان خونی (مادران، پدران، فرزندان دیگر، پدربزرگها و غیره) را با یکدیگر مرتبط می‌سازد و ازدواج عبارت است از پیوند جنسی از نظر اجتماعی به رسمیت شناخته شده و پسندیده بین دو نفر بزرگسال (گیدنز، ۱۳۸۳: ۴۲۴).

خانواده در ساختار فرهنگی ایران به مثابه بستر اساسی و بنیادی برای حفظ و انتقال ارزشهای اجتماعی، دینی و فرهنگی این سرزمین است.

خانواده ایرانی در دهه‌های اخیر، همچون بسیاری جوامع دیگر، در معرض تحولاتی مهم بوده است. افزایش سن ازدواج، افزایش تمایل به مجرد و تک‌زیستی، تغییر نگرش‌ها که به تردید در ضرورت تشکیل خانواده به عنوان مسیر تکاملی در زندگی منجر شده است، افزایش تخصصات خانوادگی و طلاق، کم شدن روحیه سازش‌پذیری و ضعف کارآمدی خانواده در تنظیم رفتار جنسی، حمایت و مراقبت، کنترل و نظارت، ایجاد آرامش روانی و ارضای نیازهای عاطفی، جامعه‌پذیری و پرورش معنوی از معضلات مهم خانواده ایرانی است. با وجود اینکه خانواده ایرانی در دوره جدید دچار تغییرات عمده‌ای شده است ولی همچنان اهمیت بیشتر خود را داراست. این نتیجه در تحقیقی که در سال ۱۳۷۹ در سطح ملی انجام شده به‌دست

^۷ Anthony Giddens

آمده است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۹: ۲۵). بر اساس اطلاعات بدست آمده از این تحقیق از نظر مردم ایران، خانواده دارای اهمیت بسیار بالایی (حدود ۹۸ درصد) می باشد.

پستمن در آثارش با ارائه مدارک متعدد، به دنبال اثبات این مسأله است که تکنولوژی و توسعه آن در جامعه جدید، اگرچه در ظاهر منشأ خدمات بسیاری بوده است، اما در نهایت لطمه‌های جبران ناپذیری را نیز به جامعه انسانی و خانواده‌ها وارد کرده است که از جمله آنها می‌توان به از بین رفتن قدرت تفکر و تعقل به دلیل گسترش رسانه‌های تصویری و جایگزینی زبان احساس به جای زبان تعقل اشاره کرد. پستمن به مبانی خانواده تاکید بسیار دارد و خانواده را رکن رکین بقای جامعه می‌داند. وی از دیرباز مطالعات و پژوهش‌های خود را بر آثار رسانه‌های جمعی خاصه تلویزیون، در تخریب فرهنگ و اخلاق و روابط اجتماعی کانون خانواده و به طور کلی انهدام بشریت متمرکز کرده است و این همه را نشات گرفته از ذات تکنولوژی فوق مدرن و خصلت لجام گسیختگی و خوی سلطه طلبی بلا منازع آن می‌داند (پستمن، ۱۳۷۳). نیل پستمن ماهیت عمومی رسانه را در تضاد با ماهیت متعالی انسان می‌داند و از آنجا که خانواده ابتدایی ترین مرکز زیستن ساده انسان است، تمامی خطراتی که نظام تکنوپولی و رسانه به عنوان ابزار قدرتمند این نظام برای انسان و زیستن ناباش فراهم می آورند در بالاترین درجه متوجه خانواده است. خطر فراموشی ارزش‌ها، خطر بیهوده زیستن، خطر لابلای چرخ دنده‌های نظام صنعتی ماندن بدون راه گریز و از همه این خطر ها "غفلت از خطر"، خطر فراموشی و عدم آگاهی، خطر سرگرمی و سایر ابزارهایی که نظام تکنوپولی از آن‌ها استفاده می کند تا آرام آرام بر انسان ها سلطه بیابد و معنا و عمق زندگی آنان را دچار تحول و استعمار فرانو نماید (پستمن، ۱۳۷۲).

رویکرد پستمن به رسانه تلویزیون، بنابه گفته خود او، بر پایه مباحث معرفت شناسی است، نه زیبایی شناسی. «موضوع علم معرفت شناسی، بررسی مبانی و سرچشمه‌ها و طبیعت علوم و معارف است. و می‌خواهم نشان دهم که برداشت‌ها و توصیف‌هایی که از حقیقت عرضه می‌شود، حداقل در پاره‌ای موارد از خصلت ذاتی وسایل ارتباطی و ابزارهایی سرچشمه می‌گیرد که وسیله‌ی انتقال اطلاعات و پیام‌رسانی به ما هستند. لذا به بررسی ارتباط و قرابت اساسی و بنیادین میان معرفت شناسی و ابزار و وسایل ارتباط و رسانه‌های جمعی موجود می‌پردازم» (همان، ۸۷).

تلویزیون مرکز هدایت و کانون رهبری معرفت شناسی نوین شده است. افراد مخاطب با هر نوع سن و سال و هر نوع فرهنگ و وضعیت، مخاطب آن هستند و برنامه‌هایی با موضوعات مورد علاقه عامه در آن مطرح می‌شود. "و این همه به این معنی است که درک و استنباط و نیز برداشت جامعه و افکار عمومی از این موضوعات، از طریق و از دیدگاه تلویزیون شکل می‌گیرد و محک می‌خورد. .. حتی نحوه استفاده ما از دیگر ابزارهای معرفت شناسی و دیگر وسایل ارتباط جمعی هم بگونه‌ای است که تلویزیون آن را تعیین می‌کند. .. هیچ یک از وسایل ارتباط جمعی چنین قدرتی ندارد که دنیای ارتباط جمعی ما را این چنین سازمان‌دهی کند که تلویزیون انجام می‌دهد» (پستمن، ۱۳۷۳، ۵۴).

سؤال های پژوهش

- ۱- چالش‌های معاصر خانواده ایرانی از منظر اجتماعی و فرهنگی چیست؟
- ۱-۱ نقش رسانه در چالش‌های اجتماعی و فرهنگی خانواده
- ۲- چالش‌های معاصر خانواده ایرانی از منظر اخلاقی و ارزشی چیست؟
- ۲-۱ نقش رسانه در چالش‌های اخلاقی و ارزشی خانواده
- ۳- بر اساس نظریه تربیت رسانه‌ای پستمن، چالش‌های معاصر خانواده ایرانی چگونه تحلیل و طبقه بندی می‌شوند؟

روش‌شناسی

این پژوهش از آن لحاظ که انگیزه‌اش حل یک مشکل یا نیاز در سطح برخورد خانواده‌ها با رسانه است، کاربردی محسوب می‌شود. هدف تحقیقات کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. به عبارتی دیگر تحقیقات کاربردی به سمت کاربرد عملی دانش هدایت می‌شوند. نتایج این نوع تحقیقات در تعلیم و تربیت، مثلا در طراحی برنامه درسی و کمک به اتخاذ تصمیم‌های مربوط به نظام آموزشی استفاده می‌شود (بازرگان، سرمد و حجازی، ۱۳۸۴: ۷۹).

روش و ابزار گردآوری داده‌ها

در این تحقیق از مصاحبه نیمه هدایت شده استفاده شده است. در این نوع مصاحبه ابتدا چند سؤال کاملا هدایت شده و سپس سؤالات عمیق‌تر پرسیده می‌شود و گاهی اوقات برای کسب اطلاعات بیشتر از سؤالات گسترده و نامحدود استفاده می‌شود.

مصاحبه پاره هدایت شده این حسن را دارد که بیشتر می‌تواند به علت اظهارنظرهای داده شده پی برد. این روش در مطالعه‌های آموزشی کاربرد بسیار دارد و مناسب‌تر از سایر روش‌های مصاحبه است؛ زیرا در این روش، ترکیبی از هدف و عمق توأمان یافت می‌شود و با استفاده از آن آگاهی‌های ارزشمندی یافت می‌شود (دلاور، ۱۳۷۵: ۱۳۵).

جامعه آماری

از آنجا که هدف این پژوهش بررسی چالش‌های پیش روی خانواده‌های ایرانی و تاثیر تربیت و سلطه رسانه‌ای بر ارزش‌ها، اخلاقیات و فرهنگ بر کودکان، خانواده و ارائه الگوی آموزشی بوده است، لذا تکیه عمده نتایج این پایان‌نامه بر مصاحبه‌های انجام شده می‌باشد. برای حفظ و ایجاد اعتبار در استنادات و ارجاعات، برای افراد مورد مصاحبه معیاری در نظر گرفته شده تا با اطمینان بیشتری گفته‌های آنها در

پژوهش مورد استفاده قرار گیرد، لذا معیار مورد توجه در انتخاب کارشناسان و متخصصین مورد مصاحبه، داشتن سابقه پژوهشی و تالیفی در زمینه رسانه، خانواده و تعلیم و تربیت کودکان بوده است. متخصصان مورد مصاحبه ده نفر بودند.

یک نفر از استادان، مترجم کتاب‌های پستمن به زبان فارسی بود، پنج نفر از کارشناسان و متخصصان حوزه خانواده و رسانه از استادان دانشگاه‌های تهران و عضو هیأت علمی و صاحب مقالات پژوهشی در حوزه تأثیرات رسانه‌های جمعی بر خانواده بودند. چهار نفر دیگر از نمونه، از استادان حوزه فلسفه تعلیم و تربیت بودند که پیرامون تأثیرات رسانه بر تعلیم و تربیت، کودکان و خانواده و تغییر فرهنگ و ارزش توسط تکنوپولی صاحب نظر و عقیده بودند.

در طراحی پرسش‌های مصاحبه تلاش گردیده که سیر محتوایی رعایت گردد. در مورد دو سوال پژوهش که مربوط به بررسی چالش‌های معاصر می باشد سیر سوالات از کلی به جزئی بوده است. هدف از طراحی سوالات با سیر از کلی به جزئی این بوده که در ابتدا ذهنیت عمومی فرد مورد مصاحبه در مورد وضعیت خانواده ها و دلایل ایجاد آن مورد پرسش قرار گیرد و پاسخ گو در قرار دادن میزان اهمیت نقش رسانه در شکل گیری چالش های خانواده آزاد باشد. محتوای سوال بعدی از میان همه دلایل بر جریان تحول صنعتی شدن زندگی مردم ایران تاکید و تمرکز نموده است تا هدفمندتر گفتگو پیش رود و در نهایت در بخش چهارم تاکید مستقیم بر نقش رسانه قرار گرفته تا فرد با آگاهی کامل از جهت گیری موضوع پاسخی شفاف ارائه نماید.

یافته‌های پژوهش

۱- چالش‌های معاصر خانواده ایرانی از منظر اجتماعی و فرهنگی چیست؟

به عنوان نمونه یکی از استادان مورد مصاحبه معتقد است: خانواده ایرانی به لحاظ فرهنگی - اجتماعی به شدت در معرض تغییر و تحول است. اگر چه می‌توان گفت که این تغییر و تحول به نوعی همراه با بازتولید و بازآفرینی است و این‌گونه نیست که جهت تغییر، خطی باشد و بتوان تغییر و تحول خانواده ایرانی را با خانواده‌های غربی مقایسه کرد. ولی به هر جهت اصل تغییر مورد توافق است. این تغییر را در وجوه مختلف می‌توان دنبال کرد. یعنی در محوری‌ترین عناصر خانواده؛ این تغییر در حال رخ دادن است. مثبت یا منفی ارزیابی کردن تغییرات بحث دیگریست اما در تعریف نقش‌ها و وظایف خانواده این تغییر در حال رخ دادن است و در بسیاری موارد دیگر هم دیده می‌شود که بار خانواده در ایران کماکان در حال افزایش است و این مشکل‌زاست. هنجارها و روابط در خانواده تغییر کرده است. این تغییرات هم در روابط درون خانواده و هم در روابط بین خانواده و بستگان دیده می‌شود و گستردگی تغییرات را بهتر می‌توان دید. هنوز هم می‌توان خانواده ایرانی را به عنوان وجه ممیزه فرهنگ ایرانی از فرهنگ‌های دیگر

مورد توجه قرار داد اما شدت تغییرات قابل توجه است و بین این شدت تغییرات و تغییراتی که در جاهای مختلف دنیا اتفاق افتاده هم‌نواپی وجود دارد.

بر اساس آمار اعلام شده، بیکاری، اعتیاد، فقر و طلاق به عنوان مهم‌ترین مشکلات اجتماعی کنونی هستند. این یافته‌ها با استناد به نتایج یک پژوهش انجام شده درباره اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی از دیدگاه هزار نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، قضات، فرهنگیان، کارشناسان و روحانیان و مدیران و معاونان دستگاه‌ها است که در این پژوهش ۲۸ مسأله اجتماعی مورد پرسش واقع شده‌اند. یکی از صاحب‌نظران حوزه رسانه و خانواده آماری را بدین شرح اعلام داشتند:

آمارها نشان دهنده روند صعودی اعتیاد، خودکشی، سرقت، فرار از خانه، قتل، نزاع و جرائم جنسی است. در سال ۱۳۷۵ نرخ بیکاری معادل ۹,۰۸ درصد بوده که این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۱۱,۳ درصد می‌رسد. جدیدترین نرخ بیکاری در ایران نیز ۱۷,۱ درصد پیش بینی و برآورد شده است. طی پنج سالی که از دو سرشماری در کشور می‌گذرد، به رغم افزایش ۵ میلیون نفری جمعیت بالای ۱۰ سال کشور، جمعیت فعال نه تنها افزایش پیدا نکرده بلکه طی دوره مزبور ۹۶ هزار نفر هم کاهش پیدا کرده است.

از نظر آمار طلاق، ایران پس از آمریکا، دانمارک و مصر، چهارمین کشور پرطلاق دنیا محسوب می‌شود. بر اساس آمار سازمان ثبت احوال، در سال ۹۰، ۸۷۴ هزار و ۷۹۲ واقعه ازدواج و ۱۴۲ هزار و ۸۴۱ واقعه طلاق در کشور به ثبت رسیده (نسبت ازدواج به طلاق: ۶,۱) که نسبت به سال ۸۹ با رشد ۴,۱ درصدی طلاق و کاهش ۱,۹ درصدی ازدواج روبرو هستیم. همه نکات ذکر شده بدین نکته منتهی می‌شود که اساس فرهنگ و تعاریفی که بدیهی^۸ در نظر گرفته شده و نهادهایی مانند خانواده بر پایه آنها استوار گردیده‌اند. در حال حاضر دستخوش تغییراند و این تغییر خانواده را تا مرز بی معنی بودن و از دست دادن هویت‌اش پیش برده است. (زیرا آن دلایل سنتی وجود خانواده رنگ باخته‌اند).

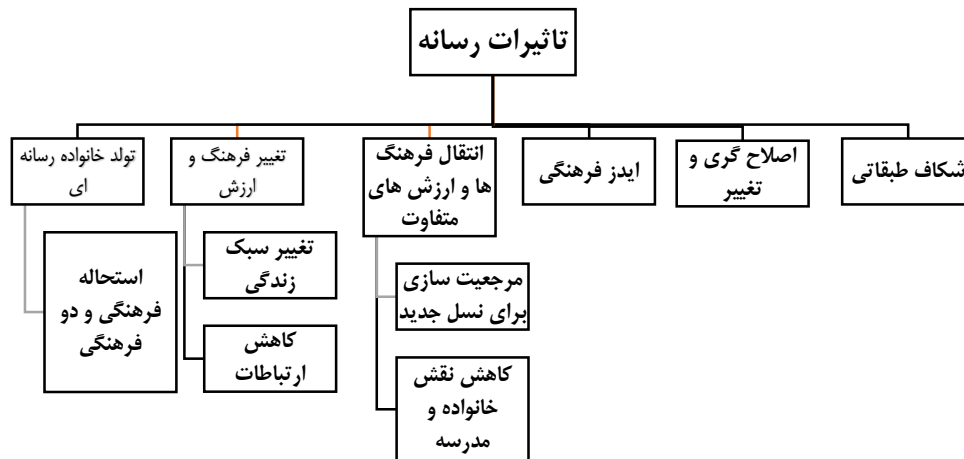
۸. این فرهنگ‌ها و رسوم بسیار قدیمی و سنتی هستند و در طول زمان متمادی نیاز به تغییر نداشتند بطوریکه حال بدیهی و گاهی مقدس محسوب می‌شوند. اما اکنون در زمانه معاصر این اصول بدیهی نیستند و مستقیماً به چالش کشیده شده‌اند.



شکل ۱: چالش‌های اجتماعی و فرهنگی معاصر خانواده (یافته‌های پژوهش)

۱-۱ نقش رسانه در چالش‌های اجتماعی و فرهنگی خانواده

عموم متخصصان مصاحبه شده بر تغییر وضعیت خانواده در شرایط امروزی اتفاق نظر داشته‌اند. به رغم برخی از صاحب نظران شدت این تغییرات بسیار بالا و خطر آفرین است. برخی متخصصان وضعیت فرهنگی و اجتماعی را ناظر به میزان شناخت مردم از ریشه‌های اسلامی و ایرانی می‌دانند و معتقدند که میزان شناخت نسل جوان از این دو بسیار کم است و منشاء تهدید برای خانواده نیز در همین نکته دانسته می‌شود. بالاتکلیفی، واقع شدن بر سر دو راهی، ایجاد شکاف بین نسلی و وضعیت‌های خطرناکتر مانند ایدز فرهنگی از جمله چالش‌هایی هستند که نظر متخصصان برای روایت مشکلات خانواده را به خود جلب کرده بودند.



شکل ۲: نقش رسانه در ایجاد چالش های فرهنگی و اجتماعی خانواده (یافته های پژوهش)

نسب به نقش رسانه در شکل گیری این وضعیت، می توان دیدگاه ها را به سه دسته تقسیم بندی نمود:

۱- دسته نخست که در شکل دهی آنچه در فضای فرهنگی رخ نموده است نقش منفی برای رسانه قائل اند.

این گروه عموماً نظر بر این داشته اند که رسانه با ایجاد "خانواده رسانه ای، تفکیک اعضای خانواده از هم، حتی تغییر وضعیت نشستن اعضا در خانه، کاهش نقش خانواده و همسالان و افزایش نقش خود، ایجاد ایدز فرهنگی و شکاف طبقاتی" باعث به چالش کشیده شدن فرهنگ و ساختار خانواده شده است. اکثریت متخصصان مورد پرسش قرار گرفته در این دسته جای دارند.

۲- دسته دوم نقش رسانه ها را با نوعی بی طرفی روایت نموده، بیان داشته اند که رسانه می تواند تخریب گر، خنثی و ضعیف باشد.

۳- دسته سوم رسانه را دارای توانایی تغییر و اصلاح وضع موجود می دانند. البته این نظر اقلیت پرسش شوندگان بوده است.

از دیدگاه متخصصان چنین برداشت می شود که خانواده ها در ایران در وضعیت تغییر قرار دارند. این تغییرات ناشی از اثر تغییرات اجتماعی و رسانه ای شدن و نیز مسائل نوین اقتصادی و اجتماعی است. عموم متخصصین خطرات پیش روی خانواده را در این شرایط جدی در نظر آورده اند و معتقدند که رفع این چالش ها نیازمند کمک و سیاست گذاری درست و آموزش است. عموم متخصصین در این نکته که تاکنون رسانه ها چه داخلی و چه خارجی نقش منفی در ایجاد این چالش ها داشته اند اتفاق نظر دارند. اما در روایت آنان از مسیر آینده در توانایی نقش منفی یا مثبت رسانه اندک اختلاف نظرانی وجود دارد. البته توانایی

رسانه در اصلاح و بهبود وضع موجود با اقبال اندک متخصصین امر مواجه شده است اما در مقابل بر اینکه در آینده رسانه این تهدیدات را قوی‌تر خواهد نمود با تأیید اکثریت متخصصان مواجه گردیده است. این یافته پژوهش با آنچه در نقد‌های اجتماعی و یا آنچه در آثار پستمن مشاهده می‌شود بسیار نزدیکی دارد و البته از مشاهده واقعیات اجتماعی امروز کشورمان نیز همین برداشت می‌گردد.

۲- چالش‌های معاصر خانواده ایرانی از منظر اخلاقی و ارزشی چیست؟

نظام اخلاقی و ارزش انسان و خانواده ایرانی و اسلامی همواره در طول تاریخ بر خیر و نیکی تکیه داشته است. حتی در دوران پیش از اسلام نیز نشانه‌ها و روایات بسیاری از رعایت حجاب در فرهنگ ایرانی بوده است. اما آمار بالای طلاق، تغییر استانداردها و اصول ازدواج، تغییر سن ازدواج و افزایش سن مجرد زیستن در زندگی امروزه به پدیده‌ای فراگیر تبدیل شده است. مسلم است که بخش مهمی از این فرآیند‌ها ناشی از سیر تحول صنعتی شدن اجتماع است که همین نکته نیز مورد اشاره بسیاری از مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت. سیستم ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه و خانواده در کشورمان در حال تغییر است. بسیاری از اندیشمندان شواهد موجود مبنی بر تفاوت ساختار ارزشی ذهنی و باورهای نسل جدید با نسل پیشین را تأیید نموده‌اند و نتیجه این تفاوت ساختار، فاصله و تفاوت بین ارزش‌های دو نسل است. این نکته باعث گردیده که خانواده‌ها محل نزاع میان ارزش‌های گوناگون بین نسل‌ها گردند. در سال‌های اخیر میانگین جمع‌گرائی و عام‌گرائی در میان جامعه ایرانی بطور کلی منفی و رو به پایین بوده است. عبارتی گرایش به نوع دوستی، همگرائی عاطفی و همدردی که خود معرف‌های برجسته‌ای در حوزه اخلاق اجتماعی بشمار می‌آیند، ضعیف می‌باشد و نگرانی‌های جدی در این باره وجود دارد. پای‌بندی به اخلاق دینی در حد کمتر از میانگین است. هرچند که تمایل عمومی به قانون‌گریزی کم و میزان نوع دوستی و همبازی در جامعه ایران بالا است. اما در کل روندی که خانواده ایرانی دارد، آن را به سمت یک خانواده سکولار و غیر دینی پیش می‌برد که در ایام خاص، مذهبی و دین‌مدار و در ایام خاص دیگر رفتاری غیر دینی دارد. در شرایط امروزین کشور بیان این جمله که "آنچه امروز در جهان و از جمله ایران می‌گذرد نشان می‌دهد که کلیت فرهنگ، اخلاق و ارزش‌های بشری با خطر زوال و انحطاط روبروست" دیگر تندروی یا سیاه‌نمایی محسوب نمی‌گردد. برخی از متخصصین مورد مصاحبه نیز بیان نموده‌اند که البته آمار دقیقی از این وضعیت در دسترس نیست اما از تجربه مشاهدات شخصی نخستین چیزی که به ذهن‌خطور می‌کند این است که روند اخلاقی و ارزشی خانواده‌ها رو به افول و نزولی است. آنچه که نهایتاً می‌توان بیان نمود این است که موقعیت اخلاقی و ارزشی خانواده‌ها در آغاز هزاره سوم کاملاً با شرایط گذشته متفاوت است. خانواده در شرایط امروز نیازمند به ارزش‌هایی بر پایه معنویت، اخلاق و معنویات اخلاق دینی است. بزرگترین بحران جامعه جهانی به هم ریختن نظام ارزشی و اخلاقی در خانواده است.

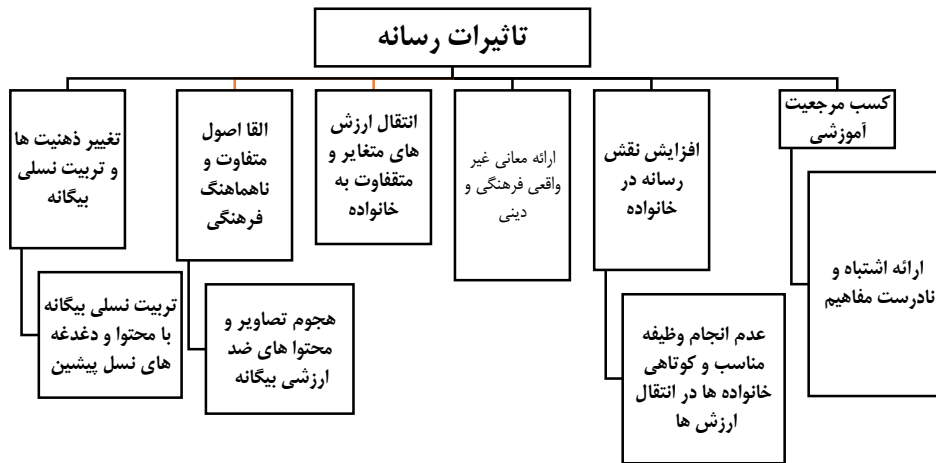
۱-۲ نقش رسانه در چالش‌های اخلاقی و ارزشی خانواده

از مجموع نظرات متخصصان مورد مصاحبه قرار گرفته برمی آید که در دهه‌های اخیر، شاهد تحولات سریع و گسترده‌ای در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی از جمله خانواده بوده‌ایم. نهاد خانواده تحت تأثیر عوامل متعدد درونی و بیرونی، این تغییرات را تجربه کرده است. رسانه‌ها به عنوان یکی از عوامل مهم اثرگذار بر تحولات خانواده در دگرگونی روابط درونی بین اعضای آن نقش اساسی داشته‌اند.

همچنین متخصصان عقیده دارند که این تحولات سبب سست شدن پیوندهای درون خانواده، افزایش طلاق، ناتوانی در تربیت فرزندان و... شده و از سوی دیگر پی‌آمدهای مثبتی چون افزایش سطح آگاهی اعضاء خانواده، شناخت روش‌های بهتر در برخورد با فرزندان، استفاده بهتر از امکانات بهداشتی، آموزشی و... داشته است. در واقع رسانه از سویی باعث تقویت برخی از ارزش‌های اجتماعی و از سوی دیگر باعث تضعیف آنها شده است. متخصصین معتقدند که آنچه می‌تواند نقش و اهمیت رسانه اعم از استفاده در برنامه‌ریزی یا برنامه‌سازی در بعد مثبت را افزایش دهد، شناخت علمی و دقیق ویژگی‌ها و کارکردهای نوین خانواده است و تنها در این صورت است که رسانه می‌تواند با تولید برنامه‌های مناسب ضمن دستیابی به اهداف تعریف شده از پی‌آمدهای ناخواسته آن جلوگیری کند و رسانه می‌تواند با اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم بر نهاد خانواده بسیاری از ناهنجاری‌های درون خانواده را کاهش دهد و در تعالی خانواده مؤثر واقع شود. از آنجا که الگوسازی رسانه برای والدین و فرزندان امری بدیهی است و تجربیات فراوانی این موضوع را به اثبات رسانده است، عملکرد رسانه در قالب طرح الگوهای موفق ضمن تقویت باورهای درست و تصحیح نگرش‌های نادرست منجر به تغییر رفتار به عنوان هدف غایی انتقال ارزش‌ها خواهد گردید. در جدول ۳-۳ چالش‌های اخلاقی ارزشی خانواده و نقش رسانه در آن جمع‌آوری شده است.

تغییر ارتباطات و از دست دادن مرجعیت آموزشی والدین برای فرزندان	سست شدن ارزش‌های اخلاقی و باورها
چالش‌های اخلاقی و ارزشی	
تفاوت ارزش‌های زن و مرد و از بین رفتن خانواده	ایجاد شکاف نسلی ناشی از تفاوت ارزش‌ها

شکل ۳: چالش‌های اخلاقی و ارزشی خانواده (یافته‌های پژوهش)



شکل ۴: نقش رسانه در چالش‌های اخلاقی و ارزشی (یافته‌های پژوهش)

۳- تحلیل و طبقه‌بندی چالش‌های معاصر خانواده ایرانی بر اساس نظریه تربیت رسانه‌ای پستمن

۳-۱- سلطه تربیت رسانه‌ای

متخصصان در پاسخ‌های خود بیان نمودند که سلطه تربیت رسانه به معنای تأثیر نامحدود و هدایت شده رسانه‌ها در تربیت و هدایت مخاطبان است. رسانه‌ها با اثر گذاری بسیار بالای پیام بر مخاطبان تأثیرات عمیق بگذارند و آنان را به هر سمتی که بخواهند هدایت کنند و به راحتی فرهنگ‌ها و انسان‌های دیگر و یا هویت‌های دیگر را به خدمت خود درآورند. لازمه سلطه تربیت رسانه‌ای گرفتن فرصت‌های تربیتی از خانواده و اشتغال بیش از حد جوانان و خانواده‌ها به رسانه‌ها است.

در فرآیند این سلطه، رسانه‌ها با تحقیر آداب و رسوم، هویت و ملیت کشورهای ضعیف و کشورهایی که فاقد آن غلبه رسانه‌ای هستند، می‌توانند نوعی تناقضات اخلاقی را در اعتقادات و رفتار آنها به وجود بیاورند.

رسانه‌ها در این فرآیند، محتوای مکتوب و تحت‌کنترلی که برای تربیت اخلاقی در نظر گرفته شده را از بین می‌برند و به جای آن محتوای تصویری و یا مواجی را جایگزین می‌کنند. بنابراین تربیت اخلاقی از کنترل جوامع خارج می‌شود و به دست رسانه‌ها و ابزارهای اطلاع‌رسانی و گسترش اطلاعات سپرده می‌شود.

در حقیقت این وسایل ارتباط جمعی هستند که در بعد گسترده‌ای از یکسو نقش روزافزون خود را بر آنچه بدان وقوف می‌یابیم، با آن آشنا می‌شویم، رویاروی آن قرار می‌گیریم، هر آنچه را که تجربه می‌کنیم و آنچه را که به عنوان تجربه می‌اندوزیم به ما می‌آموزند، آنچه را که به عنوان دانش می‌آموزیم و آنگونه که دانسته‌های خود را می‌سازیم و شکل می‌دهیم بر عهده گرفته‌اند و بدانها شکل و جهت می‌دهند. و این رسانه‌ها هستند به گونه‌ای رو به تزاید به ما تحمیل می‌کنند که به چه بیندیشیم، چگونه بیندیشیم و چه و چگونه و چرا احساس کنیم و حتی از این فراتر به ما می‌آموزند که رابطه مان با خود و دیگران چگونه و به چه میزان باشد و این یعنی سلطه تربیت رسانه‌ای. ما بر اثر این سلطه دیگر حاکم بر خود و اندیشه‌های خود نیستیم بلکه این وسایل ارتباط جمعی است که به صورت غیرمستقیم احساس، ادراک و روابط انسانی و اجتماعی را از ما ربوده است. یکی از استادان در تعریف خود از تربیت رسانه‌ای چنین می‌گوید:

تربیت رسانه‌ای یعنی تسلط رسانه‌ها در جریان تربیت. رسانه فکر والدین و بچه‌ها، حتی مربیان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، به گونه‌ای که امکان تامل، گزینش و داوری نداشته باشند. در این فرآیند رسانه به عنوان یک رقیب وارد اجتماع شده و تلاش می‌نماید با سایر نهادهای تربیتی اجتماع رقابت نماید. البته در ادامه مسیر رسانه تمایل به انحصار طلبی مرجع شدن برای مخاطبان را دارد و تلاش می‌نماید سایر نهاد های آموزشی را بطور کامل از صحنه اجتماعی بیرون نماید. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که یکی از آسیب‌های رسانه به عنوان یک رسانه مدرن، هویت‌شکنی است. رسانه‌ها با درنوردیدن دیوارها و مرزها و فروپاشاندن همه خطوط هویت ریشه‌دار، سازمان سنتی جوامع را به نفع یک نظم تازه و دهکده جهانی، هدف می‌گیرند. در این فرآیند، زمانی که هویت به عنوان یک ذخیره تاریخی قطع شود، نظام بنیادین جامعه فرو خواهد ریخت. فرآیند هویت شکنی برای کودکان متفاوت از بزرگسالان است.

یکی از استادان مورد مصاحبه معتقد است: که یکی از آثار و پیامدهای سوء رسانه‌های جمعی رواج مصرف‌گرایی و جعل نیازهای کاذب و... برای رسیدن به سود بیشتر می‌باشد، گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی حتی به حوزه‌هایی راه یافته که با سلامت انسان به طور مستقیم سر و کار دارد. مثلاً در مورد دستگاه عکس برداری M.I.R، که برای سلامت انسان خطرهایی را به دنبال دارد و خود از عوامل ایجاد سرطان می‌باشد و تنها در مرحله‌ای که امتیاز استفاده از این دستگاه بر مضرات احتمالی آن بچربد باید از آن استفاده کرد، طوری تبلیغ شده که بیماران انتظار دارند برای یک دل درد ساده حتماً یک آزمایش M.I.R برایشان تجویز شود و اگر پزشکی این کار را نکرد، در ذهن بسیاری از مردم، آن پزشک دیگر یک پزشک حاذق به حساب نخواهد آمد. علت این فرهنگ در حال شیوع، تبلیغات وسیعی است که در مورد آن شده و علت این تبلیغات، سود سرشاری است که کارخانجات بزرگ از آن می‌برند.

نکته مهم دیگر در مورد پیامدهای منفی رسانه‌ها، زوال نظام اندیشه و ساختار قضاوت در انسان‌های جهان سوم و حتی در خود جهان غرب است. امروزه در اثر بمباران شدید اطلاعاتی انسان‌ها به جایی رسیده‌اند که دیگر قدرت تفکر و تشخیص صحت و سقم اخبار را از دست داده‌اند و به طور خلاصه می‌توان گفت که انسان‌های امروزی قدرت دفاعی فکر خود را در مقابل امواج داده‌های اطلاعاتی از دست داده‌اند و به اصطلاح به «ایدز فرهنگی» مبتلا شده‌اند.

۳-۲- تهدید تربیت کودکان

امروزه رقیبی به نام تربیت رسانه‌ای از قبیل سی دی، ماهواره و اینترنت جایگزین فضاهای تربیتی خانواده‌ها شده است. این امر تهدیدی جدی و نگران کننده برای والدین محسوب می‌شود. وسایل ارتباط جمعی سرعتی وصف ناپذیر یافته و زمان و مکان را درنوردیده است و هیچ مانعی را بر سر راه خود بر نمی‌تابد. نوجوانان که بازیگران اصلی و سواران پیش‌تاز این موج هستند، نیز بیش از هر زمان دیگری نیاز به شناختن و شناخته شدن دارند. خانواده‌ها نه می‌توانند فرزندان خود را از دسترسی به علوم و فنون روز باز دارند و نه این که می‌توانند آنها را در چارچوبی اتاق خالی محبوس کرده و تمام این وسایل ارتباط جمعی را از دسترس آنها دور نگه دارند، بلکه همه وظیفه داریم در این گردونه علم و ارتباط، بچه‌ها را نسبت به خطراتی که آرام آرام جسم، روح و روان آنها را تخریب می‌کند آگاه سازیم و نحوه صحیح استفاده از این وسایل ارتباطی را به فرزندانمان آموزش دهیم.

اصلی‌ترین آسیبی که در حال حاضر نسل جوان و نوجوان را تهدید می‌کند آسیب بحران هویت است. یکی از متخصصین در مصاحبه خود بیان نموده است که «تک تک آسیب‌های اجتماعی که در حال حاضر با آنها درگیر هستیم حاصل عدم پرداخت صحیح به مقوله هویت نوجوانان و جوانان است. بعد از پایان جنگ تحمیلی یک خلا جدی در عرصه هویت‌سازی ایجاد شد و متأسفانه در دوران سازندگی و اصلاحات، ساختار هویت از هویت ملی-اسلامی به هویت مبتنی بر تفکر غرب، هویت صنعتی، سبک زندگی و مصرف‌گرایی مبتنی بر تفکر اختصاصی غرب در جامعه شکل گرفت و در مورد تعاریف هویت بین نسل جدید و قدیم و بین خانواده‌ها گسست جدی ایجاد کرد و این شکاف روز به روز عمیق‌تر می‌شود و توجه زیادی هم به بازیابی هویت صورت نمی‌گیرد. اگر امروز می‌بینیم نسل جدید و جوان، ذائقه‌های متفاوتی در نوع پوشش و لباس خود دارد و در سبک موسیقی و سینما از یک ذائقه دیگری برخوردار است، به این دلیل است که آن هویت اصلی و ملی را خیلی خوب به او معرفی نکرده‌ایم و در این بین اگر سراغ مصادیق برویم و اصل و ریشه را درست نکنیم، با حل هر مصداق، مصداقی جدید جایگزین می‌شود. مثلاً ممکن است با یک فشار یا یک برنامه کوتاه مدت مسأله پوشش حل شود، اما به جای آن اندیشه و نگاه غربی در سبک زندگی رسوخ می‌کند. بنابراین اگر قرار است آسیب‌های اجتماعی حل شود باید با یک نگاه ریشه‌ای از هویت شروع کنیم.»

پستمن در کتاب زوال در دوران کودکی معتقد است: کودک امروز «عصمت» خود را از دست داده است. این بیان نشان از آن دارد که گویی کودک امروز احساس شرم و حیا را در خود از دست داده است. با این سرعت و شتابی که تلویزیون و دیگر ابزار و رسانه های ارتباط جمعی و الکترونی به افشا و پرده دری حریم و حرم ها و ماجراهای بزرگسالان پرداخته و آن را در معرض دید و فهم کودک قرار داده است، تبعات چندی را باید مورد توجه قرار داد. نخست آنکه مقوله ای به نام شرم و حیا و خویشتن داری و خجالت رنگ باخته و قداست خود را از دست داده است (پستمن، ۱۳۸۸: ۱۶۴).

یافته های پژوهش نشان می دهد که هم اکنون خانواده حتی در امر اجتماعی کردن کودکان خود نیز آزادی عمل ندارد و به سبب وجود تلویزیون در بیشتر منازل، کودکان از سنین پایین، جذب برنامه های آن می شوند. محیط خانوادگی عامل قطعی مؤثر در ایجاد شرایط سازنده ای است که ارزش ها و گرایش های شخصی را شکل می دهد. بخش مهمی از این فرآیند در درون خانواده به صورت عمدی و آگاهانه انجام می پذیرد، ولی بخش زیادی از آن نیز کاملاً ناخودآگاه است. الگوهای کنش متقابل اجتماعی درون خانواده ممکن است مدل های ناخواسته را برای شکل گیری رفتار و شخصیت بعدی کودکان یعنی زمانی که به بلوغ و دوره نوجوانی می رسند، فراهم سازد. به هر حال، اگر جامعه پذیری، فرآیندی باشد که نسل های مختلف یک جامعه را به یکدیگر پیوند می دهد، «خانواده» از عوامل مهم اجتماعی شدن از دوران کودکی تا نوجوانی و پس از آن است که به صورت یک سلسله مراحل پی در پی رشد و تکامل، نسل ها را به یکدیگر مربوط می سازد.

بسیاری از اختلالات رفتاری دوران بزرگسالی به عقده های حقارتی مربوط می شود که به دلیل فقر و نداشتن برخی امکانات زندگی در دوره کودکی ایجاد شده است. رسانه ها، به ویژه تلویزیون می توانند صحنه هایی از وضعیت رفاه کودکان را به نمایش گذارند که کودکان خانواده های فقیر، با حسرت فقط نظاره گر زندگی رؤیایی آنها باشند. این اندیشه ها خواه ناخواه به ذهن کودک القا می شود که نداشتن امکانات موجب قرار گرفتن در سطح پایین تری از کودکان دیگر و لزوماً طرد و تمسخر آنها می گردد که حس انتقام، ناامیدی و سرخوردگی را در کودک ایجاد می کند. افزون بر این، کودک در برابر پیام های متعدد (درون مرزی و برون مرزی) ماهواره و تلویزیون قرار می گیرد که حداقل دو کارکرد و نتیجه را به همراه دارد.

اول - عطش کودک با توجه به مقتضای سنش در بهره مندی هر چه بیشتر از این پیام های فرستاده

شده

دوم - منع والدین و گزینش کردن پیام های یاد شده

در این حالات، تنش میانی میان کودک و خانواده اش در انتخاب این نوع پیام ها شکل می گیرد که نیازمند مهندسی دقیق به دست والدین است؛ چرا که در غیر این صورت، تضاد ارزش ها، تضاد بین دو نسل، درگیری والدین و فرزندان در مورد مدت زمان تماشای تلویزیون پیش می آید که جز سرخوردگی چیزی را به دنبال نخواهد داشت.

نظر اکثر صاحب‌نظران مورد مصاحبه بر این بود، مطالعاتی که پی‌آمدهای روانی-اجتماعی تلویزیون بر سلامت کودکان را تحلیل می‌کنند، متعدد و دارای سابقه‌ای طولانی‌تر هستند. در عین حال، بررسی تأثیر رسانه‌هایی که نسل فعلی کودکان به طور معمول، با آنها مشغول هستند، مانند بازی‌های ویدئویی، اینترنت، برنامه‌های آموزشی رایانه‌ای و نظایر آنها در آغاز راه است. بعضی از محققان شواهد محکمی پیدا کرده‌اند که رسانه‌ها الگوهای خواب را تحت تأثیر قرار داده‌اند، به ویژه هنگامی که رسانه‌ها در اتاق خواب کودک قابل دسترسی باشند. به طور نسبی، این پدیده منجر به مشکلات مربوط به توجه (دقت)، عملکرد تحصیلی ضعیف، خشونت طلبی، افسردگی و دیگر خطرات سلامتی می‌شود. با این حال، برخی مطالعات نتیجه گرفته‌اند که استفاده از رسانه‌ها ممکن است برای کودکان در زمینه‌های اجتماعی، مهارت‌های حرکتی، حل مسأله و همکاری گروهی، مفید باشد.

۳-۳- تهدید خانواده‌ها

تخریب فرآیندهای درونی سازی ارزش‌های اسلامی، خطر به ابتذال کشیده شدن خانواده ایرانی، رواج بی‌بند و باری، بدحجابی و شکستن قبح بی‌وفایی در خانواده از مهم‌ترین نگرانی‌ها و خطرهای رسانه برای خانواده‌های ایرانی است.

تماشای برنامه‌های تلویزیون‌های ماهواره‌ای در میان کسانی رواج دارد که انواع مختلفی از محرومیت‌ها و سرخورده‌گی‌ها را تجربه می‌کنند، از جمله تنهایی، ازخودبیگانگی، بی‌اعتنایی، کمبودهای عاطفی، نبود تعاملات اجتماعی، مشارکت نداشتن در فعالیت‌های ورزشی و هنری، بی‌اعتمادی به رسانه ملی و ناراضی‌ت‌ها از برنامه آنها، بی‌اعتقادی به ارزش‌های مذهبی، بی‌ثباتی خانوادگی و بدبینی نسبت به آینده. بنابراین، تماشای تلویزیون‌ها معمولاً شاخصی برای وجود یک مسأله اجتماعی حل نشده به شمار می‌رود که به مرور زمان بر ناهنجاری‌های اجتماعی و البته خانوادگی خواهد افزود.

ارزیابی مسؤولان و سیاست‌گذاران فرهنگی در ایران از تهدیدهای شبکه‌های رسانه‌ای به گونه‌ای دیگر بوده است. خطر از دست رفتن هژمونی «رسانه ملی»، تخریب فرآیندهای درونی‌سازی ارزش‌های اسلامی، خطر به ابتذال کشیدن خانواده ایرانی و طرح مسائل قبح‌شکنانه از مهم‌ترین نگرانی‌ها و مخاطراتی است که از آن‌ها یاد شده است.

صاحب‌نظران نیز بر این باورند که نفوذ رسانه در قوت بخشیدن به ارزش‌های مدرنی همچون مادی‌گرایی، فردگرایی، آزادی‌های نامحدود و کام‌یابی به هر قیمتی که باعث تغییر ارزش‌های سنتی و گاه ایجاد تضاد ارزشی در بین زوجین به واسطه تغییر ارزش‌ها در یکی از زوجین خواهد شد، احتمال ناهنجاری‌های مختلفی نظیر طلاق را افزایش خواهد داد. در ایران، افزایش روزافزون آمار طلاق، افزایش سن ازدواج، کاهش میزان باروری و افزایش مشارکت اجتماعی، اشتغال و تحصیلات زنان از پیامدهای رسانه‌ای شدن است که ساختار روابط خانوادگی در جامعه ایران را تحت تأثیر قرار داده است.

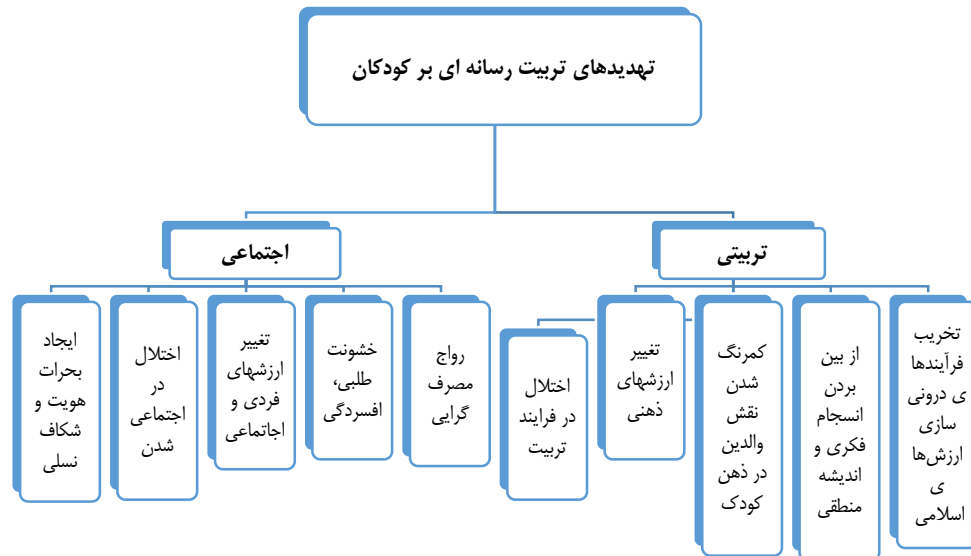
همچنین برخی متخصصین بیان نموده‌اند که یکی دیگر از پیامدهای آسیب شناختی فرآیند رسانه‌ای شدن جامعه، پدیده‌ای است که شاید از آن به عنوان بحران هویت در خانواده بتوان یاد کرد؛ زیرا ارزش‌های حاکم بر خانواده دچار تغییراتی اساسی شده است. در این میان، عوامل جبری خارج از اختیار افراد مانند رسانه‌ها در فرآیند تکوین هویت نقش حیاتی ایفا می‌کنند و نوعی بی‌اختیاری جانشین سرسختی خانواده می‌شود. با گسترش نگرانی‌ها از گسستگی پیوندهای خانوادگی، به فهم فرآیندهایی که می‌توانند سرسختی خانواده‌ها را در برابر این چالش‌ها پرورش دهند، نیاز بیشتری احساس می‌کنیم.

مفهوم شکاف، اصطلاح علمی است برای تغییر خواست‌های ایرانیان در دوران سی‌ساله پس از انقلاب اسلامی که خود را در قالب شاخص‌های مختلفی نشان داده است. تغییر در سبک‌های زندگی به‌ویژه حجاب و الگوی روابط زنان و مردان از مهم‌ترین این تغییرات محسوب می‌شوند. پوشش و آرایش یکی دیگر از محورهای مهم چالش‌های زنان با عرف رایج در جامعه است. تحقیقات مختلفی در جامعه ایران نشان می‌دهد که این چالشی جدی برای مردم و سیاست‌گذاران فرهنگی است.

تمام متخصصان مورد مصاحبه قرار گرفته ضمن ارائه و برشماری این تهدیدها بر دو سویه بودن فرصت رسانه تاکید داشتند. بدین معنی که رسانه در عین حال می‌تواند با استفاده درست فرصت‌های مناسبی نیز برای همه اقشار و خانواده‌ها ایجاد نماید. در جدول ۳-۴ مهمترین تهدیدهای تربیت رسانه جمعی برای کودکان و خانواده‌ها طبق نظر متخصصان جمع‌آوری شده است.



شکل ۵: مهمترین تهدیدهای تربیت رسانه‌ای در خانواده (یافته‌های پژوهش)



شکل ۶: مهمترین تهدیدهای تربیت رسانه‌ای بر کودکان (یافته‌های پژوهش)

بحث و نتیجه‌گیری

جامعه معناگرایی ایران نیازمند طرحی نو از رسانه است که می‌توان آن را در قالب ترسیم الگوی رسانه‌های اسلامی جست‌وجو کرد. بنابراین، مجالی باید تدارک دید تا فارغ از روزمرگی‌های متعارف، کمی به نیازسنجی خانواده‌های نسل جدید پرداخت. اینکه واقعا این نیاز در جامعه ما چه بوده و خواهد بود، باید متکی بر فرهنگ ایرانی و اسلامی و نیازهای اجتماعی جامعه امروز باشد، زیرا بدون تردید، رسانه، پاسخی به نیاز اجتماعی است. با این توصیف‌ها، اهمیت و ضرورت بررسی کارکردهای خانواده در تعامل با شبکه‌های ماهواره‌ای، بیش از پیش آشکار می‌گردد. در همین راستا، یکی از راه‌های دستیابی به این هدف، بررسی تأثیرات این شبکه‌ها و آسیب‌های حاصل از آن بر نظام و کارکرد خانواده است.

گسترش پرشتاب فن‌آوری به ویژه فن‌آوری الکترونیکی به میزان زیادی کیفیت و روند طبیعی انسان را از حالت عادی و طبیعی خارج کرده است و رفتارهای جدیدی را در عرصه فردی و اجتماعی بوجود آورده است. رفتارهای جدید، به عرصه خانواده نیز گسترش پیدا کرده است. مهم‌ترین مشخصه این رفتار، فردگرایی و کاهش احساس تعلق و پیوند عاطفی در گروه خانواده می‌باشد.

برای رهایی از این وضعیت، گسترش فرهنگ استفاده از ابزارهای رسانه‌ای به گونه‌ای که این ابزارها در خدمت انسان‌ها باشد، نه شکل‌دهنده رفتار، الزامی به نظر می‌رسد، که البته کار ساده‌ای نیست. هر اندازه رسانه‌ها، نجابت بیشتری به خرج دهند و به سلامت پیام خود اهمیت بدهند، نمی‌توانند جای ارتباط چهره به چهره را در مناسبات ارتباطی بگیرند. پس رویکرد خانواده‌ها باید در جهت کاهش استفاده از ابزارهای

رسانه‌ای و استفاده مهار یافته از آنها در جهت اهداف قابل کنترل، سامان یابد. طبیعی است در این وضعیت، فضای خانواده برای گفت‌وگو و هم‌کلامی آماده می‌شود.

تلویزیون، تنها سرگرمی بسیاری از بچه‌های سرزمین ماست. در حال حاضر بسیاری از بچه‌ها دسترسی به امکانات ورزشی و تفریحی مطلوب ندارند، بنابراین جا دارد مسؤولان رسانه ملی اعم از برنامه‌ریزان و برنامه‌سازان در برنامه‌ریزی‌های خود برای خانواده، اهداف توسعه‌ای و متعالی اوقات فراغت را در نظر بگیرند.

برنامه‌های خانوادگی، در کنار ارائه پیام‌های جدی و سازنده، لازم است نشاط‌آور و آرام‌بخش باشد و از ایجاد فضای اضطراب و نگرانی در خانواده‌ها جلوگیری نماید.

والدین باید در درون خانواده چگونگی رفتار کودکان در برابر رسانه را به آنها یاد دهند و با آنان در تعامل با رسانه همراهی کنند.

ضروری است رسانه ملی بر اساس واقعیت‌های ملموس جامعه و رفتارهای خانواده‌ها برنامه‌سازی کند تا برنامه‌ها یاد زهری باشند در برابر رسانه‌های بیگانه که در حال حاضر گسترش فوق‌العاده‌ای یافته‌اند؛ تا بتوانند بر مبنای رویکرد دینی به گسترش تفکرات دینی متناسب با زمانه در خانواده اقدام نمایند.

نظر کارشناسان بر این است که در زمانه حاضر روش تربیتی و اقدامات در زمینه مسائل مذهبی باید به کلی متفاوت از گذشته انجام شود. در زمان پدران ما جاذبه‌ها و عناصر دلربایی که فراروی ما قرار داشت بسیار اندک بود با کمی مراقبت پدران و مادران سلامت اعتقادی و التزامات عملی جوانان را تامین می‌کردند ولی امروز باید از راههایی که شور آفرین بوده و نشاط روحی و روانی که ایجاد می‌نماید، وارد شد. با گشاده روئی و مهربانی و بهره‌مندی از تمام اصول روانی و با برخورداری از نظری فراخ و بلند و انعطاف پذیر ارزشها را به جوانان ارائه نمود و خانواده‌ها را ترغیب به کتابخوانی نمود چرا که مهمترین عامل تقویت قوای دماغی و شکل‌گیری نظام دفاعی فکری در مواجهه با پیام‌رسانهای نامحرم می‌باشد.

برخی دیگر از متخصصین بر نقش افزایش آگاهی و شناخت در انسان تاکید نموده‌اند و معتقدند که هنگامی یک خانواده می‌تواند از اقدامات مثبت استفاده نماید که آگاهی داشته باشد. لذا لازم است که دانش، مهارت و انگیزه افراد خانواده و جامعه افزایش داده شود. دانش شناخت اهداف متعالی و اقدام در جهت رسیدن به آن اهداف لازمه سعادت و موفقیت در تربیت فرزندان است. انسانی که مجهز به دانش و عقل و انصاف گردید می‌تواند تا اندازه زیادی اصول معنوی خالص را از معنویت مزدورانه و مزورانه تشخیص دهد. تعلیم و تربیت معنوی اطفال در خانواده در رتبه اول از طریق مشاهده رفتار والدین صورت می‌گیرد و در رتبه دوم از طریق نصایح و تعلیمات کتابی است.

از سایر توصیه‌های متخصصان می‌توان به مواردی از قبیل: بهبود مناسبات انسانی و روابط عاطفی اعضای خانواده، ایجاد دل‌مشغولیهای سالم و مفید و هماهنگ با ارزشهای فرهنگی، اتخاذ مدیریت زمان برای خود و فرزندان (زیرا اشباع زیاد زندگی از برنامه‌های رسانه‌ها غالباً معلول بی‌برنامگی است). داشتن

نگاه انتقادی به رسانه جهت جلوگیری از آثار نامطلوب، ارتقاء روابط عاطفی اعضای خانواده و پرهیز از فرد گرایی، داشتن برنامه‌های مفید، سالم و مفرح همسو با ارزشهای فرهنگی - اسلامی در خانواده و ... اشاره نمود.

به اعتقاد نیل پستمن مرحله سلطه‌ی تربیت رسانه‌ای یکی از مراحل بسیار پیشرفته ابتلای جامعه به بحران تکنوپولی می‌باشد. مسلماً این مرحله ویژگی‌هایی دارد. به اعتقاد پستمن هنگامی که جامعه در این وضعیت قرار می‌گیرد رسانه آنقدر قدرت می‌یابد که مخالفان و منتقدان خود را نامرئی (به گونه‌ای خنثی) می‌سازد. بطوری که سخنانشان تاثیر چندانی بر جای نمی‌گذارد و شرایط از حالت رقابت بین دو گروه موافق و مخالف رسانه به شرایط استعماری تبدیل شده است که البته این شرایط زنگ خطری برای بسیاری از اصول انسانی، ارزش‌های خانوادگی، مبادی فرهنگی و بنیان‌های انسانی اجتماع است.

این نکته که تمامی متخصصین مورد مصاحبه بر عدم توجه و شنیده شدن نقدها توسط جامعه و مسؤولان تاکید دارند نشانه مشخصی از سلطه تربیت رسانه‌ای در جامعه کنونی کشور ایران است. بی‌اثری آنچه منتقدان رسانه بیان می‌دارند در کنار عملکرد ضعیف رسانه‌های کشوری و ملی (که اتفاق نظر همه متخصصین مصاحبه شده را همراه داشت) نشان از وضعیت نامناسب و چالش برانگیز فضای فرهنگی، اجتماعی و ارزشی خانواده و جامعه‌ی کشور ایران دارد. در این شرایط مسلماً اکتفا به نقد و بیان کافی نیست و باید تلاش‌ها را برای ارائه افکار درست و عملی افزایش داد. این پژوهش قصد دارد در بخش بعدی توصیه‌هایی جهت طراحی و اجرای الگوی آموزشی در زمینه رسانه و خانواده را تهیه نموده و ارائه دهد تا گامی کوچک در جهت رفع چالش بزرگ و عمیق معاصر کشور باشد.

منابع

- پستمن، نیل (۱۳۷۲). تکنوپولی: تسلیم فرهنگ به تکنولوژی، ترجمه صادق طباطبایی، تهران: اطلاعات.
- پستمن، نیل (۱۳۷۳). زندگی در عیش، مردن در خوشی، ترجمه صادق طباطبایی، تهران: اطلاعات.
- کوئن، بروس (۱۳۷۷). درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: توتیا.
- دلاور، علی (۱۳۷۵). روشهای تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- بازرگان، عباس؛ سرمدی، زهره و الهه حجازی (۱۳۸۴). روشهای تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۶). خانواده متعادل (آناتومی خانواده)، تهران: اولیاء و مربیان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- آزاد ارمکی، تقی؛ زند، مهناز و طاهره خزایی (۱۳۷۹). بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی: با تأکید بر مقایسه مراسم، آداب و کارکردهای حمایتی. نامه علوم اجتماعی، ش ۱۶، صص ۳۰-۳.

Potter, W. J (2013). Review of Literature on Media Literacy. Journal of Sociology Compass, Vol.7, No. 6, Pp. 417-435.

Postman, Neil (۱۹۹۳). Technopolis: surrender of culture to technology: translated by Sadeq Tabatabayi, Tehran: published by Ettelaat [In Persian].

Postman, Neil (1994). Living in a sack, dying in joy. translated by Sadeq Tabatabayi, Tehran: published by Ettelaat [In Persian].

Cohen, Bruce J (۱۹۹۶). Introduction to sociology. Translated by Mohsen Solasi. Tehran, Published by Tootiya [In Persian].

Delavar, Ali (1996). Research methods in psychology and Educational Science, Tehran, Published by payame noor University [In Persian].

Bazargan, Abbas. Sarmadi, Zohre and Hejazi, Elahe (2005). Research methods in Behavioral Sciences, Tehran, Published by Agah [In Persian].

Sharafi, Mohammadreza (2007). Balanced family (family anatomy), Tehran, Published by Oliya and Morabian [In Persian].

Giddens, Anthony (۲۰۰۴). Sociology. Translated by Manochehr Sabouri, Tehran: published by Ney [In Persian].

Azad Armaki, Taghi. Zand, Mahnaz and Khazayi, Tahere (2000). Study of social and cultural changes during three generations of Tehrani family. Journal of Sociological studies, Vol 16, Pp.3-30[In Persian].

The Social and Moral Challenges of Iranian Families Based on Postman's Ideas

Abstract

Given that Postman's views and his particular attention to the media and the use of technology and its effects on culture, values, and morals in our country as a relatively new phenomenon, many families have faced with emerging problems, the writer on it To study the contemporary challenges of the Iranian family from this perspective. This research is considered as an applied research type. The purpose of applied research is to develop applied knowledge in a particular context. The present study was conducted using qualitative research method and using semi-guided interviewing tool to collect data. The statistical population was interviewed by one of the professors, a translator of Postman's books in Persian, five experts and experts in the field of family and media from the professors of the universities of Tehran and a faculty member and author of research papers on the effects of mass media on the family and Four others were from the professors of the philosophy of education, who were professed by techno poly about the media's impact on education, children and family, and the change of culture and value. The findings of the study, which sought to analyze the responses of interviewees to the contemporary Iranian family challenges from a social and cultural perspective, in terms of ethics and value, based on Postman's theory of postgraduate education, included media education dominance, the threat of children's education, family threats.

Key words: Family, Media, Media Education, Challenges